



این جویبار جاری

(تحلیل شعر ساموئل بر بنیاد نظریهٔ بینامتنیت)

دکتر سحمد رضا ساکی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد

فرزاد یاراحمدی

۱۳۹۸



انتشارات پارس تاک

نام کتاب : این جویبار جاری (تحلیل شعر شاملو بر بنیاد نظریهٔ بینامتنیت)
 نویسنده : دکتر محمدرضا ساکی، فرزاد یاراحمدی
 ناشر : نشر پارس تاک
 چاپ اول : ۱۳۹۸
 تیراژ : ۲۰۰۰
 قطع : وزیری
 چاپ : اشراق
 طراح جلد : کورش پرهام
 قیمت : ۱۸۰۰۰ تومان
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۱۵-۷-۷

کلیهٔ حقوق این اثر برای انتشارات پارس تاک محفوظ است.

نشانی: لرستان- بروجرد - خیابان سیدمصطفی - کوچه شهید عزیززاده - پلاک ۱ - انتشارات پارس تاک
 تلفن : ۰۶۶۴۲۵۳۶۹۳۳ - ۰۶۶۴۲۵۱۳۶۳۶

سرشناسه

: ساکی، محمدرضا ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدید آور

: این جویبار جاری: (تحلیل شعر شاملو بر بنیاد نظریهٔ بینامتنیت) / محمدرضا ساکی، فرزاد یاراحمدی.

مشخصات نشر

: بروجرد: پارس تاک، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

: ۱۲۱ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۱۵-۷-۷

وضعیت فهرست نویسی

: فیفا.

یادداشت

: کتابنامه

عنوان دیگر

: تحلیل شعر شاملو بر بنیاد نظریهٔ بینامتنیت.

موضوع

: شاملو، احمد، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ -- نقد و تفسیر

موضوع

: Shamlu, Ahmad -- Criticism and interpretation

موضوع

: بینامتنیت

موضوع

: Intertextuality

موضوع

: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع

: Persian poetry -- ۲۰th century -- History and criticism

شناسه افزوده

: یاراحمدی، فرزاد، ۱۳۵۲-

شناسه افزوده

: Yarahmadi, Farzad

رده بندی کنگره

: PIR ۱۱۴

رده بندی دیویی

: ۸۱۴/۶۲

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۹۸۳۵۸۲

فهرست مطالب

بخش اول: شعر شاملو در گفتگو با کتاب مقدس عهد عتیق و جدید.....	۲
بخش دوم: شعر شاملو در گفتگو با اسطوره‌ها و افسانه‌ها.....	۲۸
شاملو و کهن الگوها.....	۳۹
دریا- مادر.....	۴۰
زمین- مادر.....	۴۴
بخش سوم: شعر شاملو، در گفتگو با تاریخ.....	۵۷
بخش چهارم: شعر شاملو در گفتگو با شعر حافظ و دیگر متون کهن.....	۶۸
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۰۰

بدون تقلید هیچ کس قادر به یادگیری هیچ چیزی نخواهد بود،
فقط چیزی که این وسط خیلی مهم است ادا در نیاوردن است.

«اورهان پاموک»

مقدمه

بینامتنیت چیست؟

بینامتنیت در واقع شاخه‌ای از نقد ادبی و نظریه‌ای جدید است، که در دهه‌های اخیر مورد توجه منتقدان و محققان قرار گرفته است و هرچند که شیوه‌ای تازه محسوب می‌شود، اما موضوعات آن در گذشته تحت عنوان اقتباس، نقل قول، تقلید، توارد و سرقت ادبی مطرح بوده است. چنانکه سی‌و‌نیم محققان و منتقدان قدیم و جدید ادبیات فارسی، به مواردی مانند: اقتباس، تلمیح، تالیف، تقلید، استقیال و سرقت ادبی، در تألیفات خود پرداخته‌اند.

در مبحث بینامتنیت، هم بر ارتباط متون بر پایه زبانشناسی و هم بر شرایط شکل‌گیری از نظر تشابه فرهنگی و اجتماعی تأکید شده است. همچنین می‌توان متون را به عنوان گفت و گوی ادبی در نظر گرفت و آن‌ها را در مکالمه ریشالوگ بررسی کرد. متون، هم می‌توانند بر افکار و آرای یکدیگر صحنه بگذارند و هم می‌توانند با یکدیگر مخالفت کرده و به بیان نظرات متفاوت بپردازند. متن‌ها موجودیتی مستقل با ویژگی تک آوایی نیستند بلکه می‌توان ادعا کرد باهم گفتگو می‌کنند. به بیان دیگر متنی که در یک نظام نشانه‌ای شکل گرفته و سپس وارد متن دیگر شده، در متن جدید از نظام نشانه‌ای دیگر بهره می‌برد و با درک تفاوت نشانه‌ای این دو متن، می‌توان معنای متن جدید را درک کرد. در واقع متن پیشین بنیانی است که متن جدیدتر را شکل می‌دهد و این همان «جایگشت» است.

بینامتنیت در هنرهای غیرادبی

محققان اغلب بینامتنیت را منحصر به مباحث ادبی می‌دانند، در حالی که این مطالعه در حوزه‌های مختلف هنر چون سینما، تئاتر، موسیقی، معماری، نقاشی و... نیز قابل بررسی است.

لذا دیگر امکان سخن گفتن از اصالت و یکتایی اثر هنری، خواه یک نقاشی و خواه یک رمان، وجود ندارد، چراکه آثار هنری همگی به صورت آشکار سر هم بستی از خرده‌پاره‌های هنر از پیش موجودند. از ساده‌ترین گفته تا پیچیده‌ترین اثر متعلق به گفتمان عالی یا ادبی، هیچ گفته‌ای به تنهایی وجود ندارد.^۱

نگاهی به تاریخ هنر می‌تواند به خوبی نمایانگر تعامل و پیوستگی میان متن‌های هنری باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر شیوه آموزش هنر است، زیرا که تمرین و تقلید، کپی کردن و نسخه برداری از آثار هنرمندان متقدم بخشی از روش آموزش هنر محسوب می‌شود، به عبارتی هنرمند همان‌گونه که به طبیعت و محیط پیرامونی می‌نگرد، یک اثر هنری را بررسی و تلاش می‌کند به ساخت و به کار بردن خطوط و نقوش تقلیدی، آن اثر را دوباره‌سازی کند. به این صورت بخشی از حافظه و سنت تصویری گذشتگان در اثر جدید نمود و تسری می‌یابد. این امر به خوبی در آموزش هنر سنتی ایران نیز مشهود است.

آموزش هنر و به ویژه نگارگری در ایران از ابتدا به این شیوه مرسوم بوده است که هنرآموز به قصد فراگیری هنر، باید سال‌ها تحت نظارت استاد به تمرین نسخه‌برداری (روننگاری) از آثار برجسته استادان پیشین می‌پرداخت و اصول کار آنها را فرا می‌گرفت و تنها در انتهای فراگیری، می‌توانست برخی از جزئیات را به شیوه خاص و شخصی خود که متمایز کننده کار او از دیگران بود، نقاشی کند؛ زیرا این باور وجود داشت که تکرار عناصر و رنگ، ترکیب بندی و روننگاری از یک اثر باعث می‌شود که هنرآموز با سنت گذشته و

روش پیشینیان، خود در خلق آثار هنری، مرتبط باشد. به این صورت، هنرآموز از قبل با عناصر مختلف نقاشی و همچنین مجموعه‌ای از سوژه‌ها، نقش‌ها، طرح‌ها و... آشنا می‌شد و می‌توانست با بهره‌گیری از آن، در حیطه مورد نظر به کار بپردازد. توجه به آثار هنری گذشته و کپی برداری از آنها به عنوان روشی برای تجربه اندوزی و فراگیری در هنرخوشنویسی نیز، نمونه‌ای از مصداق آن است.

www.ketab.ir